



گفت و گو

گفت و گوی خراسان با سید عباس عراقچی دبیر شورای راهبردی روابط خارجی درباره دیپلماسی «مقاومت محور» و نقش سردار شهید سلیمانی در پیشبرد دیپلماسی کشور

قدرت سازی «حاج قاسم» برای دیپلماسی

عراقچی: قدرت گفتمان سازی، رمز موفقیت نیروی قدس سپاه است

هادی محمدی –ساروز شهادت سردار سلیمانی که می رسد فضای رسانه ای کشور نیز رنگ و بوی مقاومت و میراث گرانههای او در منطقه را می گیرد و در این میان هر رسانه و شخصیتی از نگاه خود به بررسی زندگی و سیره آن شهید بزرگوار می پردازد. در این میان یکی از ابعاد کاری شهید سلیمانی در دود دهه اخیر، اقدامات او در حوزه دیپلماتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است .
فرتاری که به

داشت . ما با ترکیه در مورد سوریه اختلاف نظر جدی داشتیم ولی دیپلماسی آشکار و پنهان همزمان با ترکیه جریان داشت و هنوز هم هست یا در مورد روسیه ملاقات هایی که سردار داشت و معروف هست.

■ این دیدار ها با هماهنگی با وزارت خارج انجام می شد؟
بله چون مجموعه نظام داشت حرکتی را انجام می داد. نمی شد بخشی کاری انجام دهد و بخشی در جریان نباشد . مهم این بود که حاج قاسم می فهمید در کنار کاری که در منطقه می کند دیپلماسی هم باید با په یا بیاید و همراهی کند؛ لذا این هماهنگی وجود داشت . این درک در ست حاج قاسم باعث شد ظرفیت نیروی قدس در منطقه چند برابر شود. با همین دید جامع بود که حزب ا... هم وارد سیاست داخلی و حتی مذاکرات بین المللی در لبنان شد و الان خیلی از کشورهای غربی نمایندگانشان در بیروت با نمایندگان حزب ا...دیدار دارند یا انصار ا... وارد مذاکرات بین المللی می شود یعنی این طور نبود که تفکر مقاومت دیپلماسی را کنار بگذارد .

■ زمانی یک دو گانه میدان و دیپلماسی ایجاد شد یا برخی ساختند . این دو گانه در نگاه حاج قاسم نبود؟
در نگاه هیچ کس نیست و نبود . یک عده ای خواستند فضای داخلی ایجاد کنند و بهره ببرند و گر نه من آقای ظریف را سال ها می شناختم . همین طور سردار سلیمانی و خود رهبر انقلاب که همواره گفتند دیپلماسی و میدان در کنار هم هستند یعنی اصلا دیپلماسی دستاورد های میدان را نقد می کنند گل میدان در دیپلماسی چیده می شود . شما هر دستاوردی در میدان به دست می آورید در دیپلماسی نقد می کنید . یک زمان این میدان دستاورد های هسته ای است و یک زمان میدان نظامی است و یک زمان میدان اقتصادی . آمریکا وقتی تحریم می کند از دستاورد های اقتصادی خودش به عنوان اهرم در دیپلماسی به کار می برد . ابزار های نظامی می تواند در منطقه کار کند یا ابزار های گفتمانی شما و مقاومت که در منطقه کار می کند ثمره اش در دیپلماسی چیده می شود. این در بیانات رهبر انقلاب هست و حاج قاسم و دکتر ظریف هم به آن اعتقاد داشتند . آن قدر بدیهی است که کسی نمی تواند این دورا جدا کند و کسانی که جدا می کنند یا میدان را نمی شناسند یا دیپلماسی را یا اصلا سیاست بلد نیستند. من یک بار مقاله ای نوشتم تحت عنوان دیپلماسی «مقاومت محور» نه دیپلماسی محور مقاومت . خود محور مقاومت هم دیپلماسی دارد اما به نظر من دیپلماسی ایران در کلان خودش مقاومت محور است که بر اساس گفتمان مقاومت شکل گرفته و بزرگ ترین ابزار سیاست خارجی ما و بزرگ ترین ظرفیت دیپلماسی ما همان مکتب مقاومت است و این محور مقاومت است که به دیپلماسی جمهوری اسلامی قدرت تحرک می دهد . من اسم دیپلماسی مطلوب و مناسب برای جمهوری اسلامی را دیپلماسی مقاومت محور نام گذاری می کنم که بر اساس محور مقاومت شکل گرفته است .

■ تاثیر آمدن حاج قاسم به سپاه قدس در چه حد بود و آیا می توان گفت سپاه قدس در این دور و با حضور ایشان تحول بزرگی به خود دید؟ به ویژه در ارتباط با دستگاه دیپلماسی.

مجموعه سپاه قدس و کسانی که سپاه قدس را ایجاد کردند و فرماندهان قبلی همه در جهت اش مکتب فکری زحمت کشیدند ولی طبعی است که اشخاص هم بر اساس خصوصیات روحی و شخصیتی می توانند تاثیرات مهمی داشته باشند. حاج قاسم یک شخصیت منحصر به فردی بود . درک خیلی بالایی نسبت به مسائل بین المللی و منطقه ای داشت و ارزش و اهمیت دیپلماسی را هم می فهمید؛ لذا در کنار کار اصلی سپاه قدس، کار دیپلماسی هم صورت نمی گرفت. هم خودشان کار دیپلماسی انجام می دادند و بعضا وارد مذاکرات می شدند به صورت غیر رسمی و هم جاهایی که مذاکرات رسمی بود، در کنار وزارت خارجه حضور داشت . در هشت سال دوره آقای ظریف می توانم گواهی بدهم که چقدر ارتباط نزدیکی وجود داشت . اولاً شهید سلیمانی و دکتر ظریف جلسات هفتگی داشتند مگر این که یکی از آن ها در سفر بودند. جلسات که صبحانه کاری بود از شش صبح شروع می شد و بنده هم در برخی جلسات بودم و همه موضوعات روز مرور می شد، هماهنگ می شد تعیین نقش می شد که وزارت خارجه و قدس چه نقشی داشته باشند . ثانیاً یک هماهنگی نزدیکی بود و این بیشتر مدیون حاج قاسم بود که اهمیت دیپلماسی و ضرورت آن را می فهمید. این که قدرت و سلاح مقاومت باید در کنار دیپلماسی قرار بگیرد مهم بود غیر از این که خودش کار دیپلماسی غیر رسمی و پنهان را انجام می داد، با بسیاری از رهبران منطقه دیداری کرد با بسیاری از افراد نظامی یا مسئولان امنیتی منطقه رفت و آمد مستمر داشت .

■ مثلاً چه افرادی؟

افراد متعدد بودند کسی که مشهور تر هست با ترکیه آقای ها کان فیدان که رئیس سازمان اطلاعات ترکیه بود ارتباط مستمر و ملاقات داشت .

■ به نظر شما تشکیل سپاه قدس چقدر توانسته است به سیاست خار جی ایران در این سه دهه کمک کند؟ آیا چنین نمونه ای در کشورهای دیگر به ویژه کشورهای قدرتمند دنیا مسبق به سابقه است؟

همه توان سیاست خارجی از داخل است؛ یعنی سیاست خارجی در اصل برآیند همه قدرت های داخلی است که در سیاست خارجی باعث پیشرو بودن است و دیپلماسی نیز کاملاً متکی به مولفه های قدرت داخلی است . این مولفه ها متنوع هستند یعنی هم مولفه قدرت نظامی هست هم مولفه قدرت اقتصادی هم قدرت سیاسی هم قدرت رسانه و این ها موفقیت سیاست خارجی را تضمین می کند و الا سیاست خارجی از خودش چیزی ندارد و هر چه هر کشوری در سیاست خارجی خودش از ابزار های قدرت بیشتری بر خوردار باشد و ابزار های متنوع تری داشته باشد سیاست خارجی اش هم موفق تر خواهد بود. یکی از این ابزار های قدرت توان اثر گذاری در منطقه پیرامون و همسایگی است که قدرت منطقه ای نام دارد یا در سطح بین المللی که قدرت بین المللی می شود و می تواند تاثیر گذاری جهانی داشته باشد . در این میان یکی از مهم ترین ابزار های دیپلماسی که هنوز جایگاه اصلی اش را دارد، قدرت سخت است و بازو هایی که می توانند فراتر از مرز های ملی اعمال قدرت کنند. همه کشورهای مدعی قدرت مند بودن از نیرو هایی که فراتر از مرز ها توان تاثیر گذاری و دخالت دارند، بهره می برند. نمونه اش خود آمریکا است. در آمریکا پنتاگون یکی از وظایفش دخالت در کشورهای دیگر است . در سیاست خارجی آمریکا هم وزارت خارجه دخیل است و هم پنتاگون و در همه جلسات امنیتی که دارند و در موضوعات مهم نقش پنتاگون در کنار سیا و وزارت خارجه وجود دارد . ابزار شان در منطقه هم سنکتام است که پایگاه نظامی و نیرو دارند. به هر حال کشور هایی که در سیاست خارجی خودشان موفق هستند قدرت تاثیر گذاری در خارج مرز های خود را دارند و ابزار های مختلفی به به کار می برند. هر کشوری هم به سهم خودش این ابزار ها را ایجاد کرده و به کار گرفته است. نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چنین ویژگی ای دارد. قدرت تاثیر گذاری در خارج از مرز های ایران با استفاده از قدرت سخت ولی بایک تفاوت مهم و آن این که فقط قدرت سخت ندارد. قدرت گفتمان سازی هم دارد؛ این چیزی است که نیروی قدس را ویژه کرده و رمز موفقیت این نیرو هم این بوده که در کنار اقدامات و ظرفیت های نظامی که در منطقه و خارج کشور ایجاد کرده از همه مهم تر یک گفتمان ساخته و این گفتمان به گفتمان مقاومت معروف است که از گفتمان انقلاب اسلامی ریشه گرفته است هر چند الان خودش یک گفتمان مستقل شده و در منطقه کار می کند. سپاه قدس این را در منطقه جالاندخت و همه اهمیت و ارزش سردار سلیمانی نیز این است که بنیان گذار مکتب فکری مقاومت در حوزه سیاست خار جی است.

■ به نظر می رسد سنکتام یا مشابه آن ها بیشتر دنبال مز دور سازی هستند ولی در مورد نیروی قدس فرق دارد .

بله این یکی دیگر از تفاوت هاست . کشورهای دیگر یا قدرت مستقیم نظامی به کار می گیرند که سنکتام هم این طور است و نیرو های مختلفی در منطقه دارد و این که از گروه های مزدور استفاده می کند که به پر اکیسی معروف هستند؛ یعنی کسانی را در راستای اهداف خودشان به کار می گیرند . در مورد سپاه قدس هم خارجی ها از عنوان پر اکیسی استفاده می کنند اما تفاوت ماهوی دارد؛ چون جنبه مزدوری اصلا در آن وجود ندارد. یک گفتمان وجود دارد که این حلقه های حزب ا... و انصار ا... و... را به وصل می کند. حلقه وصل مادی از جمله پول نیست، یک حلقه وصل معنایی است که از یک گفتمان ناشی شده به عنوان گفتمان مقاومت . سردار سلیمانی این گفتمان را هم در بخش نرم و هم در بخش سخت در منطقه ایجاد کرده یعنی هم اتصال معنایی و گفتمانی ایجاد کرد

چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲، شماره ۲۱۳۹۸
۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۵، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴

خراسان
روزنامه صبح ایران

منطقه با هدایت شهید سلیمانی نیرو هایی تربیت کرد که در عین مستقل بودن، در چار چوب گفتمان مقاومت که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی دارد حرکت می کنند. وی در مورد برخی فضاسازی ها با موضوع پر جام دو گانه دیپلماسی و میدان به ما گفت و روز هایی که مسئولان کشور برای پاسخ به ترور سردار برنامه ریزی می کردند. گفت و گوی روز نامه خراسان با دکتر سید عباس عراقچی دبیر شورای راهبردی سیاست خارجی و معاون سیاسی پیشین وزارت خارجه را در ادامه می خوانید.

■ جایی حاج قاسم گفته است: « دشمنان به بر جام اول افتخار نکردند و بر انجام بر جام دوم اصرار دارند و منظور از بر جام دوم این نیست که ما از منطقه برویم بلکه ممکن است در منطقه برای ما نقشی هم تعیین کنند، اما آن ها می خواهند طی فرایند بر جام دوم حرارت جریان های اسلامی را در منطقه بشکанд. آنان که بر انجام بر جام دوم اصرار دارند می خواهند ریشه اسلام ناب را که خطر بزرگی برای آنان به شمار می رود در منطقه از بین ببرند. امروز اگر کسی تصور کند که بخواهد بر جام دوم را انجام دهد هر چند که با رهبری های داهیه نام مقام معظم رهبری صورت نمی پذیرد، اما آن ها اهداف بالاتر از آن را دنبال می کنند. » تحلیل شما از این سخنان چیست؟ برخی آن را نشانه مخالفت شهید سلیمانی با بر جام می دانند.



و اسلحه دست شما داده برای من هم کت شلوار و پیراهن یقه بسته قرار داده و ماموریت سیاسی داده است. ممکن است ماموریت ها و ظاهر فرق کند ولی هدف واحد است و در بهترین حالت تقسیم وظیفه در ست باید بین این ها صورت بگیرد. اگر بخشی نگری و جزیره ای شود و هر کس کار خودش را بکند دچار مشکل می شویم.

■ در موضوعات مشترک، دستگاه دیپلماسی بیشتر حرف ایشان را قبول می کرد یا بالعکس؟
شهید سلیمانی یک ویژگی داشت و آن هم حضور در میدان هایی بود که دیگران نبودند و برای همین از نزدیک مسائل را لمس می کرد . خیلی از سیاستون و حتی فرماندهان در اتاقشان در تهران تحلیل می کنند ولی حاج قاسم از میدان جنگ و خط مقدم بر می گشت و حرفی که می زد از همه دقیق تر و واقعی تر بود؛ اگر کاری را می گفت نمی شود واقعاً نمی شد و اگر می گفت می شود حتماً می شد. برای همین حرف او بیشتر پیش می رفت . از این جهت حرف ایشان و قدس بیشتر اجرا می شد .

■ نقش این شهید بزرگوار در زمینه بستر سازی و توسعه روابط جد بد ایران و عراق ظاهر اسیار بی بدیل بوده است. نظر شما چیست؟

ایشان برای عراق خیلی زحمت کشید . یک قسمت این زحمت مبارزه با داعش بود که دوران بسیار خطیری بود و اگر حاج قاسم و قدس به موقع ورود نکرده بود الان معلوم نبود چه بر سر بغداد می آمد. از طرف دیگر تفرق بین گروه های مختلف عراقی حاج قاسم را خیلی آذینت کرد . بیت شیعه و کرد و سنی و حتی داخل شیعه . هماهنگ کردن این ها خیلی کار سختی بود از این جهت کار در عراق خیلی سخت بود اما به نظر عراق پله پله مسیر خوبی را طی کرد و الان وضعیت بانباتی دارد؛ خطر داعش را با کمک حاج قاسم از سر گذراند و خودشان هم این دین به حاج قاسم و نیروی قدس و ایران را قبول دارند و می گویند .

■ زمان دولت قبل انتقاداتی بود که در دولت حمایت کامل از نیروی قدس در سوریه نمی شود. واقعاً چنین چیزی بود؟

این بحث ها همیشه بوده و هست و هیچ وقت هم تمام نمی شود . در مورد جنگ هشت ساله هم هست ولی این که بگویم یک غرض یا عمد خاصی بود من چنین چیزی ندیدم . ممکن است انتقاد یا اختلاف نظری باشد ولی من بر خور د نکردم که کسی اختلاف نظر را بهر دی در مورد سوریه داشته باشد کما این که دولت قبل هم مدعی است نیاز های حاج قاسم را بر آورده کرده است.

■ خاطره یا بر خور د از نزدیک با حاج قاسم دارید مثلاً در موضوع بر جام؟

با خود من حاج قاسم همیشه بر خور د خوبی داشت . حاج قاسم سر قضیه بر جام هیچ وقت بر خور د بدی با ما نداشت . دوستانی بودند که در جلسات بر خور د داشتند ولی ایشان هیچ وقت چنین بر خور دی نداشت و به نظر من با دید مثبتی دنبال می کرد کما این که با دکتر ظریف و بنده همیشه بر خور د دوستانه ای داشتند .

■ در دوره ۸ ساله خودتان از این ظرفیت استفاده کردید؟ به ویژه در مذاکرات مهمی مثل هسته ای.

حتماً این کار را کردم چون مهم ترین ظرفیت ما همین بود . در مذاکرات هسته ای طبیعتاً موضوع منطقه اصلا در مذاکرات هسته ای مطرح نبود . در واقع چه چیزی شش کشور قدرت بر تر دنیا را پشت میز مذاکره با ایران نشاند؟ قدرت میدانی بود که این ها را مجبور کرد . قدرت میدانی یعنی قدرت میدانی هسته ای اگر پیشرفت نمی کرد با ما مذاکره نمی کردند، قدرت مقاومت داخلی در برابر تحریم بود که به زانو در نیامدیم. قدرت موشکی بود که اگر می توانستند تا سیسات ما را بزنند مذاکره نمی کردند و چون در منطقه، ایران قدرت بازیگری داشت آمدند پای میز مذاکره . مذاکره وقتی صورت می گیرد که آن کشوری که مذاکره می کند از توانایی میدانی لازم برخوردار باشد و در مذاکرات هسته ای هم اتفاق افتاد.

■ نقش حاج قاسم به عنوان یک شخصیت خاص در پرونده های مهم سیاست خار جی ایران در سه دهه اخیر از چطور ارزیابی می کنید؟ در عراقستان، عراق، سوریه و فلسطین، لبنان و ...

این ها پرونده هایی هست که در تقسیم کار صورت گرفته، نیروی قدس تاثیر زیاد و تعیین کننده دارد چون به طور مستقیم با بحث های امنیت ملی ما ارتباط دارند . این ها هم بحث گفتمانی و قدرت معنایی هست و هم بحث امنیتی دارد . بنابر این خیلی طبیعی است که نیروی قدس ما در این پرونده ها میدان دار باشد و البته در هماهنگی کامل با وزارت خارجه . مثلاً سفرایی که اعزام می شدند عمدتاً از وزارت خارجه بودند اما در هماهنگی با قدس کار می کردند . شخص حاج قاسم به دلیل کاریز ما و ارتباطات و روحیه ای که داشت و سریع به افراد ارتباط برقرار می کرد شخصاً هم تاثیر زیادی داشت . حاج قاسم در عراق با همه گروه های سیاسی و دینی اعم از سنی و شیعه و کرد ساعت ها ملاقات می کرد و دوستش داشتند. اختلافاتشان را حل می کرد و اهدافشان را متحد می کرد. در افغانستان و سوریه هم همین طور . حاج قاسم مرتب و شخصاً به این میدان ها می رفت و البته خطر بیشتری هم داشت . او یک فرمانده در صحنه بود و این یکی از تفاوت های مکتب مقاومت با سایر نیرو هاست .

■ چقدر گره های کار دیپلماسی را باز و راه را هموار می کرد؟

سفری محدود و مشخصی برای کار دارد، در حالی که سپاه قدس یا حاج قاسم آن محدودیت را نداشتند. مثلاً وقتی ها کان فیدان به تهران می آمد، آدم های مختلفی را می دید که سفیر ترکیه نمی دید . حاج قاسم در کشور های مشخص نقش و نفوذ شخصی و سازمانی داشت و بعد هم وضعیت آن ها معمول نبود و در بحران به سر می بردند . ماموریت ها و وظایف را باید شناخت مهم این است که همه این ها در یک سنگر هستند . نیروی نظامی، نیروی اطلاعاتی و نیروی دیپلمات ما همه در یک سنگر برای هدف واحدی حرکت می کنند اما وظایف و ماموریت های این ها با هم متفاوت است . من به دوستان نظامی می گویم همان نظامی که لباس سپاهی را تن شما کرده